

Original Article

Causation Relationship between Crime and Challenges of Criminal Liability with an Attitude towards Approved Islamic Penal Code in 2012



Atiyeh Vajdani Fakhr^{1,*}, Talieh Vajdani Fakhr², Mohammad Reza Elahi Manesh³

¹ PhD student in Criminal Law and Criminology, Azad University, North Tehran Branch, Iran

² Master of Laws, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Law Department, University of Tehran-North, PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty Member, Tehran-North Azad University, Tehran, Iran



Citation Atiyeh Vajdani Fakhr, Talieh Vajdani Fakhr, Mohammad Reza Elahi Manesh, **Causation Relationship between Crime and Challenges of Criminal Liability with an Attitude towards Approved Islamic Penal Code in 2012.** *J. Law Political Stud.*, 2022, 2(3), 203-213.

<https://doi.org/10.22034/jlps.2022.3.3>



Article info:

Received: 6 October 2022

Accepted: 11 December 2022

Available Online: 14 December 2022

ID: JLPS-2211-1048

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

Stewardship; Causation; Association of Cause and Stewardship; Committing Crime; Islamic Penal Code.

ABSTRACT

In some cases, the innate nature of criminal act is punishable regardless of realization or non-realization of any result, and in this sense, to realize the criminal responsibility, there needs causality relationship, since the relationship always requires two parties (i.e. behavior and result) and when result is not essential, the existence of a causal relationship will not be necessary. In some crimes where obtaining a criminal result is essential for its realization, three conditions are required for the realization of criminal responsibility: (i) the presence of criminal behavior, (ii) occurrence of a harmful incident, and (iii) existence of causal relationship between criminal behavior and harmful event. It is feasible to explore and prove causal relationship in some cases, especially when an agent was involved in the result realization, as someone killing somebody by a gun. Instead of providing a vivid and decisive rule, the 2012 Islamic Penal Code attempted to provide some solutions by taking certain situations and conditions into account. Given that, in transverse case of stewardess multiplicity, the result is taken into account of all parameters, and in the longitudinal case, the last stewardess may be the guarantor, the first stewardess, or even both. Besides, in the multiplicity assumption of causes transversely, equal responsibility has been ordered, and in case of longitudinal involvement, provided the unintentional crime, the primary stewardess has been mainly affected.

رابطه سببیت در جرم و چالش‌های مسئولیت کیفری با نگرشی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

عطیه وجدانی فخر^۱، طلیمه وجدانی فخر^۲، محمدرضا الهی منش^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران

^۲ کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران-شمال، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران-شمال، تهران، ایران



ارجاع عطیه وجدانی فخر، طلیمه وجدانی فخر، محمدرضا الهی منش، رابطه سببیت در جرم و چالش‌های مسئولیت کیفری با نگرشی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱: ۲۱۳-۲۰۳.

<https://doi.org/10.22034/ilps.2022.3.3>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ آذر ۱۴۰۱

تاریخ آنلاین شدن: ۲۳ آذر ۱۴۰۱

کد مقاله: JLPS-2211-1048

کلیدواژگان:

مباشرت، تسبیب، اجتماع سبب و مباشر، ارتکاب جنایت، قانون مجازات اسلامی

در برخی موارد، نفس عمل مجرمانه صرف‌نظر از تحقق یا عدم تحقق هرگونه نتیجه‌ای قابل مجازات است و بدین لحاظ برای تحقق مسوولیت کیفری نیاز به وجود چیزی به نام رابطه علیت نسبت، زیرا همواره رابط نیازمند به دو طرف است (رفتار و نتیجه) و هنگامی که نتیجه ضرورت ندارد، وجود رابطه علیت نیز لزومی نخواهد داشت. در جرائمی که حصول نتیجه مجرمانه برای تحقق جرم ضروری است، وجود سه امر برای تحقق مسوولیت کیفری لازم خواهد بود: ۱- وجود رفتار مجرمانه. ۲- پدیدآمدن حادثه‌ای زیان‌بار. ۳- وجود رابطه علیت بین رفتار مجرمانه و حادثه زیان‌بار. کشف و اثبات رابطه علیت در پاره‌ای موارد، بویژه هنگامی که یک عامل در تحقق نتیجه دخالت داشته است آسان خواهد بود. مانند اینکه شخصی با اسلحه، دیگری را به قتل می‌رساند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌جای ارائه یک ضابطه‌ی روشن و قاطع در این زمینه، بیشتر کوشیده با در نظر گرفتن حالت‌ها و برخی شرایط خاص راهکارهایی ارائه نماید. بر این اساس، در صورت تعدد مباشر به‌صورت عرضی، نتیجه به‌حساب تمام عوامل گذاشته می‌شود و در حالت طولی، ممکن است مباشر اخیر ضامن باشد یا مباشر نخست و یا هر دو آن‌ها. همچنین، در فرض تعدد اسباب به‌صورت عرضی حکم به‌تساوی مسوولیت داده‌شده و در صورت دخالت طولی، به‌شرط غیرعمدی جنایت، سبب مقدم در تأثیر ملاک قرار گرفته است.

مقدمه

موجب اخلال در نظم عمومی و برای مرتکبین آن‌ها مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است. از جمله مباحثی که در مورد جنایات وارده بر انسان عنوان شده است مسئله وقوع جنایت با مداخله مستقیم «مباشرت» است، و از آنجاکه مقررات جزایی اسلام و قوانین عرفی موجبات ضمان و مسوولیت کیفری به‌صورت ضمان بالمباشره و ضمان بالتسبیب تشریح شده است، لذا

جنایات یا صدمات جسمانی که موجب سلب حیات و یا عوارض دیگری غیر از سلب حیات می‌شوند شامل قتل و یا ضرب و جرح و یا نقص عضو اعم از عمدی یا غیرعمدی می‌باشند که بنا بر دلالت آیات و روایات از زمان امامان معصوم و همچنین در کلیه نظام‌های حقوقی دنیا، مهم تلقی و

خود، دیگری را بکشد و نیز کسی است که با واسطه‌ای به ارتکاب جرم دست‌زده که از نظر عرف، از آنجاکه مشخص و آشکار نیست، واسطه محسوب نمی‌شود و جرم به خود او مستقیماً نسبت داده می‌شود، مانند کسی که با کارد و شمشیر و یا تفنگ، که واسطه‌ی قتل و ابزار آن است، کسی را بکشد، (Pourbafarani, 2014: 278).

عنوان مباشر یا فاعل جرم به کسی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم عملی را انجام داده یا ترک می‌کند و نتیجه مجرمانه‌ی را به وجود می‌آورد. مانند کسی که با دست‌های خود گلولی دیگری را گرفته و چندان فشار دهد تا خفه شود. قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۱۷، این مفهوم را مورد تأکید قرار داده است و به‌موجب آن مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. (Mir Mohammad, Sadeghi, 2014: 105).

ارتکاب جرم چنانچه به‌وسیله انجام عملیات مادی توسط مرتکب آن به اتمام برسد و یا به دیگر سخن کسی که به‌تنهایی و به‌طور مستقیم عملیات مادی جرم را به انجام می‌رساند، (مباشر جرم) نامیده می‌شود. (Ardabili, 2013: 66).

مانند اینکه شخصی با دست‌های خود گلولی دیگری را فشار دهد و او را به قتل برساند و یا اینکه کسی به‌تنهایی مبادرت به ربودن مال منقول متعلق به دیگری بکند. ضمناً چنانچه مرتکب جرم را با استفاده از وسایلی مانند تفنگ، سلاح کمری، چوب‌دستی و نظایر آن به انجام برساند، وسایل موردنظر عرفاً واسطه محسوب نمی‌شود و جرم به مباشرت خواهد بود. (Sadeghi, 2010: 98).

پس بنا به تعریف، مباشر جرم همان فاعل مستقل جرم است و مباشرت در جرم نیز به معنی ارتکاب جرم است. بدین لحاظ در متون جزایی و کتب و آثار صاحب‌نظران عنوان‌های مباشر و فاعل مستقل و مرتکب جرم، غالباً به یک مفهوم و به‌جای یکدیگر استعمال می‌شوند. ارتکاب جرم همواره توسط یک نفر به وقوع نمی‌پیوندد و همیشه جرم نتیجه اراده و عمل یک فرد نیست بلکه ممکن است افراد دیگری نیز با وی در

درجایی که مباشرت در جنایت موجود نباشد کسی در قبایل جنایت حاصله مسئولیتی نخواهد داشت. قانون مجازات در بحث جرائم علیه تمامیت جسمانی و حیات دیگران تقسیم‌بندی‌هایی در مورد نحوه همکاری در ارتکاب قتل بیان کرده است که جدا از تقسیم آن به فاعل و شریک و معاون است. این تقسیم‌بندی عبارت است از مباشرت و تسبیب. ماده ۴۹۲ ق.م.ا. مصوب ۹۲ در این خصوص آورده است: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن‌که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». ماده ۴۹۴ (قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲) مباشرت را چنین تعریف کرده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود». ماده ۵۰۶ (قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲) نیز در تعریف سبب آورده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به‌طوری‌که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۶ با تغییر مبنای قبلی این‌گونه مقرر شده است: هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی‌که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.

۱- مباشرت

بر اساس ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. مباشر جرم کسی است که بی‌واسطه و به‌طور مستقیم با اقدام خود، موجب حصول نتیجه مجرمانه شود. مثل اینکه با دست

جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود. به نحوی که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شود، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

(Momeni, 2022: 11)

البته گاهی سبب به تنهایی در بروز جنایت نقش نداشته و بلکه اسباب دیگر یا مباشر هم در این میان نقش ایفا می‌کند تا منجر به نتیجه محقق شده شود، که اجتماع این اسباب و اجتماع سبب و مباشر به طور جداگانه قابل بحث است. اگر یک سبب به تنهایی، عامل بروز جنایتی شود، در این صورت، تمامی مسئولیت متوجه سبب خواهد بود، مانند اینکه کسی چاهی بکند، و به دلیل عدم ایمن کردن چاه و عدم استفاده از علائم هشدار، دیگری به واسطه سقوط در چاه، کشته شود یا آسیب ببیند، در این صورت، فردی که چاه را کنده، تمامی مسئولیت را بر عهده خواهد داشت. گاهی چند سبب، در بروز یک خسارت نقش دارند و بسته به تأثیر این سببها در بروز جنایت، اسباب به طور مساوی یا مختلف در بروز جنایت، مسئول قلمداد می‌شوند. مانند اینکه کسی چاه می‌کند، و همزمان کسی هم سنگی در مقابل چاه می‌گذارد و سپس فردی به واسطه برخورد با سنگ، به داخل چاه سقوط می‌کند. در اینجا هم کسی که چاه را کنده، و هم کسی که سنگ را گذاشته، سبب بروز جنایت شده‌اند و هر دو به طور مساوی مسئول هستند. حالت سومی هم وجود دارد و آن هم اینکه کسی مباشر وقوع جنایت است اما سبب اصلی در بروز جنایت کس دیگری است؛ مانند اینکه بزرگسالی یک اسلحه به دست یک کودک می‌دهد تا با آن شلیک کند؛ در اینجا اگرچه شلیک از سوی کودک بوده اما سبب اصلی در دادن اسلحه به کودک و فرمان شلیک دادن، شخص بزرگسال بوده و در اینجا به دلیل قوی‌تر بودن عامل سبب از عامل مباشر، سبب مسئول قلمداد می‌شود. رابطه سببیت یکی از ارکان مهم مسئولیت کیفری و مدنی و نقطه اشتراک این دو نوع مسئولیت است. به گونه‌ای که بدون اثبات آن هیچ‌یک از دو نوع مسئولیت قابل

ارتکاب عمل مجرمانه و در نتیجه وقوع جرم دخالت داشته باشند که در این صورت گاهی مستقیماً در عناصر متشکله ذات ماهیت جرم مداخله نموده و مجرم را در ارتکاب جرم یاری می‌دهند و زمانی نیز به طور غیرمستقیم اما به نحو مؤثر مباشر جرم را در محقق ساختن آن یاری و کمک می‌رسانند. آنچه در صورت نخست واقع می‌شود، تحت عنوان شرکت در جرم لحاظ شده و هریک از مداخله کنندگان نیز معاون به عنوان «شریک جرم» خواهند بود. اصولاً آنچه در لسان حقوقدانان و علمای حقوق جزا در خصوص تبیین مفهوم شرکت در ارتکاب فعل مجرمانه آمده است، حاکی از عمل یا اعمالی است که فرد یا افرادی با دخالت در عملیات مادی و اجرایی ارتکاب جرم، پدیده مجرمانه را عملاً در خارج تحقق می‌بخشند. از جمله این حقوقدانان، دکتر نوربها در این زمینه می‌نویسد: «در جرم کسی است که با فرد و یا افراد دیگر شرکت در انجام مادی بزه معینی با قصد مجرمانه مشخص و هماهنگ با همکاران خود دخالت می‌کند به نحوی که بتوان او را شریک در مفهوم عرفی آن شناخت»، (Pourbafrani, 2013: 271).

۲- سببیت در جرم

به طور کلی عنوان «تسبیب» به معنای «سبب شدن برای تحقق امری» است و در مقابل مباشرت (انجام دادن بی‌واسطه کاری) به کار می‌رود. در مباشرت، جنایت یا اتلاف به طور مستقیم و بی‌واسطه توسط شخص رخ می‌دهد مانند اینکه فردی مستقیم به دیگری شلیک کند یا آتش به خرمن دیگری بیندازد اما در «تسبیب» فرد سبب وقوع جنایت یا اتلاف شده و مستقیم در بروز آن نقش ندارد؛ مانند کندن چاه در راه، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک همسایه، شهادت دادن دروغین علیه کسی و باز کردن قفس حیوانات - که موجب تلف شدن مال یا جان کسی یا وارد آمدن خسارت بر آن می‌شود. در خصوص جنایت اعم از اینکه منجر به قتل یا جرح کسی شود، در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تسبیب این‌گونه تعریف شده است که «تسبیب در

ماده ۳۳۴ در موردی است که هر دو مباشر کشته شوند و ماده ۳۳۵ نیز در موردی است که یک نفر از مباشرین کشته شود. ماده ۵۲۷ قانون ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته است «هرگاه دو نفر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطا محض نصف دیه هرکدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او بپردازند» (Ardabili, 2013: 66).

استفاده تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از واژه «بی‌واسطه» مفهوم معنی مباشرت است. در خصوص ماده ۵۲۷ دو نکته قابل ذکر است: اول این‌که ماده مذکور برخلاف مواد قبلی میزان تأثیر هریک از طرفین را واجد اهمیت تلقی کرده ولیکن نحوه تشخیص میزان تأثیر را بیان ننموده است، گویا در این مورد نیز همانند آنچه در رویه قضایی معمول است باید از نظرات کارشناسی استفاده کرد، و همین نکته، ضعف این قسمت از ماده محسوب می‌شود چراکه در صورت وقوع چنین حادثه‌ای به نظر می‌رسد که باید از میزان تأثیر عوامل صرف‌نظر کرد، و به نتیجه واقع‌شده توجه اساسی مبذول داشت. زیرا این‌که هر یک در وقوع این نتیجه چه مقدار مقصر بوده‌اند، به علت مشکلات عملی تعیین این مقدار بروز نتایج احتمالی مبتنی بر بی‌عدالتی و تشتت در آرای قضایی نباید مدنظر قرار گیرد. دوم اینکه، علت این موضوع که مواد پیش‌گفته قانون مصوب ۱۳۷۰، هرکدام از مباشرین را عهده‌دار پرداخت نصف دیه می‌دانستند، این بود که در اینجا مرگ مستند به دو عامل است: یکی خود مقتول و دیگری عاملی که با مقتول برخورد داشته است، (Mir Mohammad, Sadeghi, 2014: 23).

بنابراین نصف دیه به دلیل استناد جنایت به خود مقتول ساقط می‌شود و عامل دیگر فقط مسئول پرداخت نصف باقی‌مانده است که به او استناد دارد. اما اینکه در فرضی که هر

تحقق نیست. با این وجود رابطه استناد در این دو قلمرو تفاوت‌های اساسی داشته و در حوزه مسئولیت کیفری باید با نگرش کیفری به این پدیده نظاره کرد. زیرا هریک از آن‌ها اقتضائات و لوازم خود را دارند و طبعاً بر مبنای همان ساختار، نوع مسئولیت بررسی و تحقق است. هرچند جبران خسارت به‌عنوان نتیجه تحقق مسئولیت کیفری مورد قبول خواهد بود ولی قابلیت استناد در امر کیفری مبتنی بر اصولی برگرفته از مبانی کیفری است. (Najib Hosni, 2012: 89).

۳- اجتماع مباشرین متعدد در عرض هم

گاهی ممکن است چند عامل با افعال متعدد مباشرت در جرم نموده به‌طوری‌که جنایت محصول مجموع افعال آن‌ها محسوب گردد، به‌نحوی‌که رابطه علیت بین فعل هریک از آنان و جنایت حاصله ثابت باشد. به عبارت دیگر گاه چند عامل به نحو مستقیم و بلا واسطه باعث ورود خسارت یا جنایت علیه دیگری می‌شوند که در این صورت همه آن‌ها به نحو مساوی مسئول می‌باشند. بنابراین تحقق این نوع مسئولیت به شرطی است که نتیجه زیان‌بار قابل استناد به عمل همه آن عوامل متعدد باشد، به‌عنوان مثال چند نفر با هم یک نفر را گرفته و از پرتگاهی پرتاب کنند و همین عمل منجر به فوت آن شخص و یا صدمات بدنی شود یا مثلاً دو نفر با ضربات متعدد چاقو باعث سلب حیات از دیگری شوند. این اجتماع مباشرین متعدد در عرض همدیگر، گاه به‌گونه‌ای است که این عوامل باعث ایراد جنایت بر یکدیگر می‌شوند که در این زمینه امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید: «هرگاه دو نفر آزاد و عاقل و بالغ با یکدیگر برخورد کرده و در اثر آن بمیرند، اگر قصد قتل یکدیگر را داشته باشند قتل عمد است و اگر قصد قتل یکدیگر را نداشته باشند و فعل هم غالباً کشنده نباشد، قتل شبه عمد است و ورثه هرکدام نصف دیه دیگری را پرداخت می‌کند و نصف باقی‌مانده از هر دو ساقط می‌شود، (Khomeini, 2003, vol. 2: 563).

در تأیید همین نظر مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات سابق نیز مباشرین را به‌طور تساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌دانست.

نکته اساسی است که موجب بروز مباحثات و اختلافات بین علمای حقوق کیفری می‌شود.

۴- اجتماع اسباب متعدد در طول هم

گاهی تأثیر اسباب متعدد عرفاً هم‌زمان نیست و از این جهت دارای ترتیب در تأثیر هستند و به اصطلاح اسباب در طول هم قرار دارند و هر یک از آنها زمینه تأثیر دیگری را فراهم می‌کند. این موضوع مهم در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تبیین شده است. در مورد اجتماع اسباب متعدد، به‌طور کلی می‌توان گفت که این اجتماع به دو صورت ممکن است مطرح باشد: صورت اول این‌که همه اسباب متعدد عدوانی نباشند بلکه بعضی از آنها عدوانی و بعضی دیگر غیر عدوانی باشند. صورت دوم: نیز فرضی است که همه اسباب متعدد که در جنایت مؤثر هستند عدوانی باشند، (Ardabili, 2013: 76).

- اجتماع اسباب عدوانی و غیر عدوانی

حالت اول در فرضی که اسباب متعدد در طول هم قرار دارند، یعنی نسبت به هم از نظر تأثیرگذاری حالت تقدم و تأخر دارند، این است که فقط یکی از اسباب عدوانی باشد. در این حالت با توجه به این‌که شرط مسئولیت سبب، عدوانی بودن آن است، بنا بر نظر مشهور فقها، اسباب متعددی مسئول‌اند و اسباب غیر عدوانی مسئولیتی ندارند، نکته شایان ذکر این است که دو ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «انجام عمل غیرمجاز» را جایگزین عنوان «عدواناً» که در ماده ۳۶۴ قانون قبلی به‌کاررفته بود، کرده‌اند. درحالی‌که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به این موضوع بی‌توجه بوده است که صرفاً یکی از مواردی که ممکن است سبب عدوانی باشد، هنگامی است که وی عملی را به نحو غیرمجاز انجام داده است. بدون شک بهترین معیار برای تشخیص «عدوانی بودن» یک سبب داوری عرف است. گاهی عرف به‌درستی هم عامل مجاز و هم عامل غیرمجاز را به یک اندازه مقصر و شایسته سرزنش می‌شناسد. به‌عنوان مثال فرض کنید عمل «شهرداری» که مجاز

دو عامل (یعنی هر دو نفری که به هم برخورد می‌کنند) کشته می‌شوند، دو ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون قبلی هرکدام از دو عامل را عهده‌دار پرداخت نصف دیه دیگری می‌دانستند و تهاوتر صورت نمی‌گرفت. آثار این موضوع درجایی آشکار می‌شود که آن دو عامل از یک نوع نباشند و میزان دیه آنها یکسان نباشد، مثلاً یکی از عوامل زن باشد و دیگری مرد. همچنین در موردی که یکی از مباشرین مسلمان باشد و دیگری غیرمسلمان. به نظر می‌رسد چنین تفکیکی به جهت دقت تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۷ به نحو شفاف‌تری انعکاس یافته است، ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفاوت اساسی در این بحث به وجود آورده است، زیرا طبق این ماده اگر جنایت مستند به تمام عوامل باشد (در فرض ما مستند به دو یا چند مباشر) به‌طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند.

(Momeni et al, 2021: 18)

نگارندگان معتقدند این تشویش در بیان معیار در ماده ۵۲۶ موجب بروز مشکلات عملی خواهد شد. البته بدون تردید ماده مذکور بازتابی از رویه قضایی است که در زمان اجرای ماده ۳۶۵ قانون سابق، به‌شدت متمایل به تعیین میزان تأثیر و حکم به ضامن به نسبت تأثیر بوده است. انتقاد اساسی به ماده ۵۲۶، این موضوع است که نگرش ماده مذکور یک نگرش کیفری نیست بلکه مقنن استناد در حقوق کیفری را منحصر به تعیین ضامن دانسته است چراکه بیان نموده «چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد»، (Ardabili, 2013: 73).

و سپس مشکل را حل‌شده تلقی کرده و اقدام به تبیین میزان مسئولیت در پرداخت خسارت نموده است. درحالی‌که در مسائل کیفری مشکل به این نقطه بازمی‌گردد که آیا رابطه استناد موجود است یا خیر؛ یعنی یک مرحله پیش از حکم موضوع ماده ۵۲۶ شاید تعیین رابطه علیت یا استناد در موضوع جمع دو مباشر آسان باشد ولی به هنگام جمع دو سبب همین

شهرستان بیرجند به هنگام وجود اسباب طولی در وقوع حادثه، نه تنها میزان ضمان بر اساس نظریه کارشناس‌ها (که همان نماینده عرف متخصص در قضیه می‌باشند) تعیین شده است، بلکه حتی در خصوص مسئول شناختن افراد به لحاظ کیفری نیز سبب اقوی از نظر عرف شایسته عنوان بزه‌کار شناخته شده است، (Duakhan, 2013: 11).

شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور نیز با این استدلال که در باب اجتماع اسباب همیشه سبب قریب ضامن است و اسباب بعید و ابعاد ملاحظه نمی‌شود، حکم به برائت سبب غیرمتعارف داده و تنها سبب متعارف را مسئول دانسته است. با عنایت به رویه‌ای که دستگاه قضایی در موارد تعدد اسباب طولی در وقوع جنایت اتخاذ نموده است، به نظر می‌رسد مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قابل تأمل است و در این حالت ارجاع قضیه به ماده ۵۲۶ کافی به مقصود است، (Ardabili, 2013: 86).

۵- اجتماع سبب و مباشر

وقوع نتیجه زیان‌بار گاهی منتسب به یک یا چند عامل به‌طور مستقیم است و شخص یا اشخاصی مباشر در جنایت می‌باشند، در مواقع دیگری شخص یا اشخاص به‌طور غیرمستقیم سبب وقوع جنایتی می‌گردند، و مباشری در میان نیست و جنایت تسبیب محض است و در نهایت اینکه زمانی عواملی در جنایت به نحو سبب و به‌صورت غیرمستقیم، و عوامل دیگری به‌طور مستقیم و مباشر در وقوع جنایت می‌باشند و نتیجه به بار آمده در اثر همکاری آن‌ها است؛ در این موارد بحث اجتماع سبب و مباشر مطرح می‌گردد. در تعریف این حالت گفته شده: اجتماع سبب و مباشر در موردی است که دو نفر موجب ایراد ضرر جانی یا مالی بر ثالثی شوند، یکی سبب ضرر باشد و دیگری مباشر ضرر، (Jafari, 2007: 142).

به‌طور مثال کسی چاهی را حفر می‌کند و دیگری کودکی را به درون آن می‌اندازد، حفر کننده به‌عنوان سبب، و کسی که کودک را به درون چاه انداخته مباشر در جنایت است و نتیجه منتسب به هر دوی آن‌ها است.

به حفر گودالی بوده، منجر به سقوط فردی بی‌گناه شده باشد. آیا در چنین حالتی از نظر عرف این عامل کمتر از زمانی که یک فرد بدون اجازه گودالی حفر کرده و موجب سقوط فردی در آن شده است، مقصر می‌باشد؟! لذا به نظر می‌رسد قانون باید در چنین مواردی اندیشه خود را محدود به یک یا دو مثال ذهنی نمی‌کرد و موارد غالب را نیز در نظر می‌داشت. بدین جهت مناسب‌تر است که مجدداً از واژه‌های «عدوانی» و «غیر عدوانی» به جای واژه‌های «مجاز» و «غیرمجاز» استفاده شود، (zeraat, 2013: 437).

اجتماع اسباب عدوانی

صورت دوم از صور اجتماع اسباب متعدد در طول هم، فرضی است که همه اسبابی که در وقوع جنایت مؤثر بوده‌اند، عدوانی باشند. مشکل اصلی در مورد رابطه سببیت، همین صورت است که در زمینه آن نظریات مختلفی ابراز شده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همان‌گونه که ملاحظه گردید معیار «سبب مقدم در تأثیر» را در چنین حالاتی پذیرفته و تغییر محسوس آن نسبت به ماده ۳۶۴ قانون سابق محدود نمودن فرض به اسباب طولی است. دلیل فائلین به این معیار در فقه اسلامی استناد به قاعده استصحاب است. محقق خویی در این باره نوشته است: «مشهور فقها برای فتوای خویش جز استصحاب دلیلی ندارند در حالی که استصحاب در اینجا جاری نمی‌شود؛ چون قبل از به وجود آمدن سبب دوم، سبب اول تأثیری نداشته است تا اثر آن را استصحاب نماییم و بر سبب دوم تقدم ببخشیم، بلکه زیان به هر دو سبب استناد داده می‌شود و در نتیجه ضمان و مسئولیت متوجه هر دو سبب به یک اندازه می‌شود. لذا ترجیح سبب مقدم در تأثیر بر سبب لاحق، فاقد وجهت است» (Naqibi, 1386: 81).

شاید به جهت همین انتقادات و نیز این نکته که نظریه «سبب مقدم در تأثیر» نه از نظر عرف و نه از نظر عقلی چندان موجه به نظر نمی‌رسد، رویه قضایی در کشور ما حتی در زمان حکومت این نظر به‌طور مطلق نیز چندان توجهی به آن نکرده است. به‌عنوان مثال در آرای صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی

- سبب مساوی با مباشر

در این حالت سبب و مباشر در وقوع نتیجه مجرمانه عرفاً به‌طور مساوی دخالت داشته‌اند و نتیجه قابل انتساب به همه آنها است، کدام یک مسئول هستند؟ قانون مباشر را در مسئولیت بر مسبب مقدم کرده است. از ظاهر ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، این مطلب فهمیده می‌شود که، به‌طور کلی و اصولاً در حالت اجتماع سبب و مباشر (که باتوجه به اطلاق ماده شامل حالت تساوی سبب و مباشر هم می‌گردد) مباشر مقدم می‌گردد، زیرا مباشر نزدیک به نتیجه است. در این خصوص رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور اظهار می‌دارد: در باب ضمان مسئولیت بر عهده مباشر است، و در اجتماع سبب و مباشر، مباشر مسئول است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد؛ بنابراین حتی در صورت تساوی سبب و مباشر باز مباشر ضامن است.^۱ ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورت تساوی سبب و مباشر بدون ذکر حد و حدود و قیود مسئله در صورت استناد جنایت به هر دو عامل، به‌نوعی هر دو را مسئول دانسته است. البته به نظر می‌رسد که این نظر مطابق نظر مشهور فقها نیست. در واقع در این ماده، احراز رابطه علیت و اسناد عرفی جنایت به عامل جنایت ملاک قرار گرفته است، بدون این که مباشر یا سبب بودن عامل فی‌نفسه موضوعیتی داشته باشد. بنابراین از آنجاکه عرفاً جنایت به هر دو عامل استناد دارد و هر دو عامل از نظر میزان تأثیرگذاری (بر اساس عرف) مساوی می‌باشند، مسئولیت متوجه هر دو عامل خواهد بود و در نتیجه مباشر یا سبب بودن نمی‌تواند ملاک تعیین مسئولیت باشد. به عبارت دیگر معیار مهم، اسناد عرفی جنایت است که به هر دو عامل نسبت داده می‌شود. با وجود این، هر چند ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موافق با این نظر است، ولی شایان ذکر است که پیش از تصویب این قانون، شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۹۲۳ مورخه ۳۰/۱/۷۲، به این مطلب تصریح کرد که در صورت تساوی سبب و مباشر،

مباشر ضامن است. در پرونده مورد بحث، قاضی دادگاه بدوی، مباشر و سبب، هر دو را مسئول قلمداد کرده بود. ولی شعبه ۲۶ دیوان با استناد به کتاب جواهر الکلام، رأی را نقض کرده و نظر به انحصار مسئولیت نسبت به مباشر داده بود، (Rostami Ghazani and Vaezi, 2014: 46).

در این فرض، محور تلاش علماء یافتن عامل اصلی اتلاف است یعنی کسی که نقش اصلی را در وارد نمودن زیان دارد؛ لذا هریک اقوال و نظرات متفاوتی ارائه نموده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

الف) مسئولیت نیز به‌طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود، هر دو ضامن‌اند. طبق ظاهر موادی که در فوق ذکر شد (ماده ۳۳۲ ق.م و ۳۶۳ ق.م.ا) هم باید مباشر را ضامن دانست، اما منطق حقوقی ایجاب می‌کند که در این فرض، به‌ویژه درجایی که هر دو قصد اتلاف دارند، هر دو مسئول شمرده شوند. (Momeni; Mirzabeigi, 2022: 13)

ب) مباشر ضامن است، زیرا اگر مباشر عاقل و مختار باشد، فعل مستند به او بوده ضامن خواهد بود و اگر عاقل و مختار نبوده از باب سبب اقوی از مباشر، سبب ضامن خواهد بود. طبق ماده ۳۶۳ ق.م.ا که بیان داشته: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است، مگر آنکه سبب اقوی از مباشر باشد» در مورد تساوی سبب و مباشر از حیث قوت نیز می‌توان قائل به مسئولیت مباشر به‌تنهایی شد. نظر مشهور فقهای امامیه همین است. از طرفی در قانون دیات نیز تنها مباشر به‌عنوان ضامن معرفی شده است. باین‌همه صاحب ریاض امکان مسئولیت مسبب را به استناد قاعده لا ضرر منتفی ندانسته است، (Pourbafrani, 2013: 436).

- مباشر اقوی از سبب

در این موارد نتیجه قابل انتساب به مباشر است، که مستقیماً در وقوع جنایت دخالت داشته، و مباشر تمامی ارکان جرم را یعنی رکن مادی و رکن معنوی و رکن قانونی را دارا است. در موارد اجتماع سبب و مباشر به استناد مواد ۳۶۳ و ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳۳۲ قانون

^۱ رأی شماره ۱۹۲۳ مورخه ۳۰/۱/۷۲ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور

خواهد کرد.» بنابراین شرط مطالبه خسارت از کسی، این است که خسارت بلا واسطه ناشی از فعل یا ترک فعل او باشد. و چون مسبب نمی‌تواند در این رابطه قرار گیرد و در امتداد روابط مسبب و مباشر رابطه ایجاد خسارت با مسبب قطع شده است، مطالبه خسارت از مسبب در صورتی که نسبت به مباشر اقوی فرض شود امکان‌پذیر است. در تحلیل مسئولیت مباشر به‌عنوان قاعده باید گفت مباشر عامل نزدیک و بی‌واسطه ورود ضرر است و تا قبل از اقدام مباشر، همه چیز در حالت طبیعی و عادی قرار دارد. و مباشر به‌عنوان آخرین علت، مؤثرترین عامل در ورود خسارت محسوب می‌گردد. بنابراین اگر کسی چاهی را در معبر عمومی حفر نماید و دیگری عبوری را در چاه اندازد، در این مورد شخصی که عابر را در چاه انداخته به‌عنوان مباشر مسئولیت دارد. از طرف دیگر، مباشر کسی است که دارای عقل و اختیار است و با آگاهی دست به چنین کاری زده است لذا اگر او اقوی از سبب باشد بدین‌صورت که اکراه یا اضطرار یا ... در کار نباشد ضمان به عهده او خواهد بود. قانون مدنی نیز این نظر را تأیید نموده در ماده ۳۳۲ مباشر را مسئول تلف می‌داند مگر اینکه مسبب اقوی باشد به‌نحوی که تلف عرفاً مستند به او باشد. همچنین در ماده ۳۶۳ ق.م.ا عنوان نموده در فرض اجتماع سبب و مباشر، در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی باشد، (zeraat, 2012: 250).

نتیجه‌گیری

رابطه سببیت یکی از ارکان مهم مسئولیت کیفری و مدنی و نقطه اشتراک این دو نوع مسئولیت است. به‌گونه‌ای که بدون اثبات آن هیچ‌یک از دو نوع مسئولیت قابل تحقق نیست. با این وجود رابطه استناد در این دو قلمرو تفاوت‌های اساسی داشته و در حوزه مسئولیت کیفری باید با نگرش کیفری به این پدیده نظاره کرد. زیرا هریک از آن‌ها اقتضات و لوازم خود را دارند و طبعاً بر مبنای همان ساختار، نوع مسئولیت بررسی و تحقق است. هرچند جبران خسارت به‌عنوان نتیجه تحقق مسئولیت کیفری مورد قبول خواهد بود ولی قابلیت استناد در امر کیفری مبتنی بر اصولی برگرفته از مبانی کیفری است.

مدنی، اصولاً مباشر اقوی و مسئول شناخته می‌شود، و مسئولیت سبب نیاز به دلیل و اثبات دارد، زیرا رابطه علیت بین عمل مباشر و نتیجه به بار آمده عرفاً قوی‌تر است. در مواردی که مباشر اقوی شمرده می‌شود و مسئول جنایت است، چنانچه سبب عالم و عامد باشد، عنوان او معاونت در جرم است، مانند کسی که سلاح خود را با علم به ارتکاب قتل توسط آن در اختیار دیگری قرار می‌دهد، و قتل با این اسلحه انجام شود. ولی در صورتی که عالم و عامد نباشد عنوان کیفری دیگری ندارد، (Aghaei Nia, 2007: 94).

فقها و حقوقدانان اصل را بر این می‌دانند که ضمان به عهده مباشر است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. در ضمان امر دایر مدار صحت و عدم صحت استناد است و ملاک، صحت استناد اتلاف به متلف است به نحو عرفی بنابراین، در اجتماع بین سبب و مباشر، مباشر اقوی از سبب است و لذا ضامن است. از طرفی چون رابطه علیت بین کار مباشر و تلف مال قوی‌تر است. در بیشتر مواردی که سبب و مباشر باهم جمع می‌شوند، نه‌تنها سبب قصد جنایت ندارد، بلکه احتمال وقوع آن‌ها هم نمی‌دهد. بنابراین عنصر معنوی جرم (نسبت به اعمال مجازات) و عنصر علیت (نسبت به پرداخت خسارت) به‌کلی در مورد سبب منتفی است، درحالی‌که این دو عامل از عوامل بدیهی و اولیه مسئولیت کیفری و مدنی محسوب می‌شوند، (zeraat, 2012: 289).

اما این سؤال مطرح است که چرا باید مسئولیت جبران خسارت تنها به عهده مباشر قرار داده شود؟ درحالی‌که مسبب نیز به ایجاد شرایطی که امکان ورود خسارت را فراهم ساخته کمک کرده است. در این خصوص باید به مبانی قانونی رجوع کرد، که شرایط امکان مطالبه خسارت را بیان می‌کنند. ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی می‌گوید: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلا واسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است؛ در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد

همان‌طور که در بررسی برخی مواد از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره گردید، تغییراتی مؤثر در پاره‌ای از مواد این باب از قانون در جهت رفع اختلاف‌نظرهای حقوقی اعمال گردیده است. از جمله محدود کردن دایره شمول نظریه سبب مقدم در تأثیر که از جهات مختلف قابل تأمل می‌نمود. ولی آنچه فراسوی مواد قانونی دارای اهمیت است و خواه‌ناخواه در تحلیل مواد و یا حتی تغییر آن نقش مؤثری ایفاء می‌نماید، تفکیک نظری مسئولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان مقررات کیفری باید در تمامی مراحل، با مطمح نظر قرار دادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی نمایند. مسلماً در چنین صورتی است که راه اختلاط دو مبحث و اصطلاحات و ابزارهایشان با یکدیگر مسدود می‌گردد. طبعاً بر اساس ادبیات کیفری، مسئولیت کیفری مقدم بر موجبات ضمان و به‌عنوان کانون بحث در رابطه سببیت قرار خواهد گرفت و پرداخت خسارت به‌عنوان امری لازم ولی متفرع بر مسئولیت کیفری محقق خواهد شد. بی‌توجهی به ضرورت تفصیل اجتماع طولی و عرضی عوامل و نیز تصور اعتباری و غیرواقعی بودن این رابطه به اتخاذ مبانی متغایر و طرح ملاک‌هایی برای تشخیص عامل ضامن منجر شده است که با بسیاری از موازین حقوقی مانند احکام مربوط به شرکت، معاونت و ... معارض و در مواردی با برخی از مواد همین قانون نیز مغایر به نظر می‌رسد. احراز رابطه سببیت میان رفتار مجرمانه یا فعل زیان‌بار و نتیجه ناشی از آن، به ویژه در فرض تعدد عوامل و اسباب، یکی از دشوارترین مباحث حقوق کیفری و مسئولیت مدنی است. این مسئله در حالتی که افراد متعددی در زمان‌های متفاوت (طولی) در وقوع جنایت مداخله می‌کنند و بین رفتار مداخله‌کنندگان و نتیجه حاصله (مانند قتل) فاصله زمانی نسبتاً طولانی ایجاد می‌شود، به‌عنوان یک مشکل جدی و گاه یک معضل لاینحل ظاهر می‌گردد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌جای ارائه یک ضابطه‌ی روشن و

قاطع در این زمینه، بیشتر کوشیده با در نظر گرفتن حالت‌ها و برخی شرایط خاص راهکارهایی ارائه نماید. بر این اساس، در صورت تعدد مباشر به‌صورت عرضی، نتیجه به‌حساب تمام عوامل گذاشته می‌شود و در حالت طولی، ممکن است مباشر اخیر ضامن باشد یا مباشر نخست و یا هر دوی آن‌ها. همچنین، در فرض تعدد اسباب به‌صورت عرضی حکم به تساوی مسئولیت داده‌شده و در صورت دخالت طولی، به شرط غیرعمدی جنایت، سبب مقدم در تأثیر ملاک قرار گرفته است. به‌علاوه، در اجتماع سبب و مباشر، بدون اینکه ضابطه مشخصی ارائه گردد، عاملی که خسارت منتسب به اوست، مسئول شناخته شده است. در قوانین و مقررات جزایی کشورمان موارد متعددی وجود دارد که مسئولیت کیفری اشخاص بر مبنای سببیت در جنایت مورد حکم قرار گرفته است و باتوجه به ابتدای نظام حقوقی بر اساس مبنای عرفی مأخذ از سایر نظام‌های حقوقی در باب مسئولیت کیفری اسباب در قتل، مقررات قانون مجازات عمومی، بر اساس نظریه‌های مسئولیت کیفری طراحی شده بود به نظر می‌رسد که از میان دیدگاه‌های مطرح‌شده، نظریه برابری اسباب از آن‌جهت که به عدالت و رعایت حقوق متهم نزدیک‌تر است، موفق‌تر از سایر نظریه‌ها می‌تواند راه گشای مسائل علیت باشد. پس از پذیرش دیدگاه برابری اسباب، از آنجاکه ممکن است در هر دعوایی، چند سبب عدوانی و غیرمجاز وجود داشته باشد و نتیجتاً چند عامل مسئول جنایت یا خسارت حاصله شوند، این مسئله مطرح می‌شود که در روابط بین اسباب مذکور این مسئولیت چگونه باید تقسیم شود، که عده‌ای این مسئولیت را به‌تساوی، گروهی به نسبت درجه تأثیر و جمعی به نسبت درجه تقصیر آن‌ها در ایجاد جنایت حاصله قابل توزیع دانسته‌اند. به نظر می‌رسد حفظ حقوق قربانی و متابعت از اصول حقوقی، اقتضای آن را دارد که مسئولیت اسباب مذکور، در بین خود اسباب بر اساس درجه تقصیر هر سبب در وقوع صدمه تقسیم شود.

References

1. Ardabili, Mohammad Ali. (2012). General Criminal Law, Volume 2, Tehran, Mizan Publications.
2. Aghaei Nia, Hossein. (2007). Crimes against persons (crimes) Tehran, Mizan Publications, third edition.
3. Pourbafarani, Hassan. (2013). The unity or duality of tasbib in civil and criminal law, article 2, period 11, number 2.
4. Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar. (2007). Legal Terminology, Tehran, Ganj Danesh Publications, 17th and 19th editions. p. 142.
5. Khomeini, Ruhollah. (2003). Tahrir al-Usila, Kitab al-Qasas, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (pbuh), Volume 2.
6. Doakhan, Seyedreza; Zare Mehrjardi, Ali. (2012). The cause and the steward and its relationship with the spread of crimes, place of publication: the first national conference on lawyering, ethics, jurisprudence and law.
7. Rostami Ghazani, Omid; Vaezi, Reza. (2013). Subsidiary Punishment in Imamiyyah Jurisprudence, Tehran, Judicial Law Perspectives Quarterly, No. 55.
8. Zeraat, Abbas. (2012). "Distinguishing the state of spiritual multiplicity of crimes from similar titles", Tehran University Law Quarterly, Volume 43, No. 3.
9. Zeraat, Abbas. (2012). A Brief Description of the New Islamic Penal Code, Tehran, Ghoqnos Publications.
10. Sadeghi, Mohammad Hadi. (2010). Special criminal law (crimes against persons and physical integrity), Mizan Publications.
11. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein. (2013). The association of cause and effect in Islamic Penal Code 2013, Journal of Legal Studies of Shiraz University, 6th volume, 2nd issue.
12. Najib Hosni, Mahmoud. (2011). The relationship of causation in criminal law, second edition, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences.
13. Naqibi, Abulqasem. (2007). A comparative study of the damage assessment criterion in the assumption of multiple causes of damage in Islamic law" Law and Political Science Quarterly.
14. Momeni, S., Geravandi, F., khosravi, A. (2021). 'Responsibility of effective factors in surgery in Iranian law with a look at the teachings of jurisprudence', Journal of Law and Political Studies, 1(1), pp. 1-14. doi: 10.22034/jlps.2021.1.1
15. Momeni, S. (2022). 'Criminal Liability for Abetting and Prosecuting a Crime', Journal of Law and Political Studies, 2(1), pp. 85-93. doi: 10.22034/jlps.2022.1.6
16. Momeni, S., Mirzabeigi, M. (2022). 'The Place of Mortgage and Security in Intellectual Property Rights in Iran', International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science, 11(2), pp. 142-148. doi: 10.22034/ijashss.2022.2.8